

تأثیر عوامل کالبدی و غیر کالبدی بر هویت محله‌ای^۱

(نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵ شهر اصفهان)

مریم کریمی آذر

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهشگر جهاد دانشگاهی، اصفهان، ایران

مهری شاه‌زیدی^۲

دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی و مربی جهاد دانشگاهی، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۰۹ - ۱۲۹

چکیده

هویت محله‌ای را می‌توان تحت تأثیر دو نوع عامل دانست: عوامل کالبدی و عوامل غیرکالبدی یا اجتماعی. هر یک از این عوامل، تأثیر منحصر به فرد خود را بر هویت یک مکان یا یک محله دارند. درک ارتباط این عناصر و میزان تأثیر آن‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزی مؤثرتری در جهت ارتقای هویت یک محله بیانجامد. هدف اصلی این پژوهش فراهم کردن درکی عمیق‌تر از تأثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی بر هویت محله است. با این حال، امکان مطالعه تمامی عوامل تأثیرگذار در این پژوهش وجود ندارد. از این رو، عواملی در پژوهش وارد شدند که در طی کاوش‌های میدانی مشخص شد که عواملی چالش‌برانگیز در محله هستند. این عوامل عبارت‌اند از: «روابط همسایگی و امنیت به عنوان عوامل غیرکالبدی، منظر محله، ایمنی و دسترسی به خدمات به عنوان عوامل کالبدی». این پژوهش بر مبنای تحلیل کمی ۱۰۰ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS انجام شده است. تعداد نمونه نیز بر مبنای فرمول کوکران تعیین شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد همه این عوامل، به جز عامل ایمنی، تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارند.

واژگان کلیدی: محله، هویت محله‌ای، هویت کالبدی، هویت اجتماعی.

۱ مقاله حاضر، مستخرج از طرح «ارتقای کیفی محله ستار، منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان» تهیه شده توسط گروه مطالعات کالبدی شهر (research.technology.jdisf@gmail.com) در معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان و به کارفرمایی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان می‌باشد.

۲. نویسنده مسئول: mehrishahzeidi@gmail.com

در این بین، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، محلّه را ملاک عمل قرار داده و برنامه‌های محلّه محور را در دستور کار خود قرار داده است. طرح‌های ارتقای کیفی محلات شهر اصفهان، طرح شناسنامه فرهنگی-اجتماعی محلات، طرح‌های مرتبط با گردشگری محلّه محور و طرح‌های نیازسنجی شهر تنها تعداد محدودی از طرح‌هایی است که بر مبنای محلّه انجام می‌شود؛ اما سؤال مهم این است که در حال حاضر و در دوران شهرگرایی مدرن در شهرهای ایرانی، چه عواملی در به وجود آمدن هویت محلّه‌ای مؤثر هستند؟ هویت محلّه‌ای یک محلّه را چطور و به وسیله چه عواملی می‌توان بهبود بخشید؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند باعث بهبود وضعیت هویت محلّه‌ای و به تبع آن هویت شهری گردد.

در این راستا، پژوهش حاضر در این دوره زمانی که نظام محلّه‌ای در حال تغییر است عوامل تأثیرگذار بر هویت محلّه‌ای را مورد مطالعه قرار داده است. نکته قابل توجه آن است که تاکنون عوامل بسیاری به عنوان عوامل مؤثر بر هویت محلّه‌ای مطرح شده است؛ اما مطالعه همه این عوامل برای یک محلّه ممکن و شدنی نیست. از این رو، در ابتدا از خلال مطالعات اکتشافی میدانی و مصاحبه، عوامل کالبدی و اجتماعی که در محلّه چالش برانگیز تشخیص داده شد در پژوهش وارد گردید. این عوامل شامل روابط همسایگی، امنیت، ایمنی، منظر و دسترسی به خدمات می‌شود.

مبانی نظری

محلّه

محلّه تعریف مورد توافق دقیقی ندارد. این کلمه هم بر حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد (عبداللّهی و دیگران،

هویت‌های شهری و ملی محصول نقاط پیوندی هستند که هویت‌های فردی و خانوادگی را به آن‌های گره می‌زنند. به نظر می‌رسد که محلّه یکی از این نقاط پیوند است. در واقع محلّه‌ها اولین فضاهایی هستند که زمینه ارتباط فرد با افرادی غیر از دایره خانواده را فراهم می‌کنند و درکی اولیه از مفهوم اجتماع را برای فرد رقم می‌زنند. به همین دلیل، هویتی که فرد از خلال محلّه کسب می‌کند، یا همان هویت محلّه‌ای، در شکل‌گیری هویت‌های سطح بالاتر اهمیتی کلیدی دارند و در صورتی که شکل‌گیری هویت محلّه‌ای با مشکل مواجه شود می‌توان انتظار بحران‌های هویتی در سطوح بالاتر را نیز داشت. از این نظر، مهم است که بدانیم هویت محلّه‌ای تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد. با این حال، باید در نظر داشت محلّه‌های امروزی با آنچه در گذشته با آن مواجه بودیم، متفاوت‌اند.

محلات به عنوان یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده سازمان فضایی شهرها، از گذشته‌های دور نقش ویژه‌ای در ساخت هویت شهرها بر عهده داشته‌اند. در گذشته محلات شهری، مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی-نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و... مشترک بوده است که با تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای می‌بود. هویتی که سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص شده و بافت محلّه را از محدوده‌های اطراف آن متمایز می‌گرداند. امروزه به نظر می‌رسد محلات از نظر اجتماعی و کالبدی دگرگون شده و مختصات گذشته را ندارند. خبری از تفکیک‌های قومی، شغلی، فرهنگی و... در محلات نیست. اوقات فراغت، تفریح، تحصیل، اشتغال، اقتصاد و... محدود به محلات نیست و تعریف

۱۳۸۹). رابرت کوان نیز در دائره‌المعارف شهر^۱ خود محله را این گونه توصیف نموده است: منطقه یا موقعیت؛ منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی؛ بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه‌ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به صورت ساختار شهری به حالت یکپارچه درآمده است (Cowan 2005:256-257). شکویی محله را جایی می‌داند که از خانه‌های مجاور هم در یک مقیاس جغرافیایی تشکیل می‌شود و از تجمع، پیوستگی کم‌وزیاد، معاشرت نزدیک، روابط همسایگی محکم و اتحاد میان گروهی از مردم به وجود می‌آید که برای تشکیل آن، وجود این شرایط ضروری است: «دارا بودن یک حوزه جغرافیایی مشخص، پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر و وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم» (شکویی، ۱۳۶۹: ۴۹).

لینچ محله را قسمت نسبتاً بزرگی از شهر می‌داند که واجد خصوصیات مشابه و یکدست باشد و ناظر بتواند به آن وارد شود. خصوصیتی که سیما و پیکر محله را مشخص می‌کند، عوامل خاص آن محله هستند که ممکن است اجزای بی‌شمار و متنوع داشته باشند. بافت محله، فضای آن، فرم و اجزای آن، نوع ساختمان‌ها و نوع استفاده از ساختمان‌ها، فعالیت‌ها، ساکنین و... عوامل خاص محله هستند (لینچ ۱۳۷۴، ۱۲۲-۱۲۶).

محله می‌تواند از ابعاد مختلف تعریف شود. برای مثال، محلات از نظر اداری با دیوار، راه و یا مرزهای تعیین شده و مشخص؛ از نظر اجتماعی، با ادراک ساکنین محلی؛ از نظر عملکردی با حوزه‌های خدمات محلی؛ از نظر زیست‌محیطی با خصوصیات ترافیکی، کیفیت و امنیت و بالاخره از نظر زیبایی با داشتن

ویژگی‌های مشخص یا عمر و سن توسعه می‌شوند (Barton, 2003: 16). به نقل از عزیز، (۱۳۸۵: ۳۵). محله می‌تواند به‌عنوان یک ناحیه یا حوزه سیاسی نیز تعریف شود و توأمان مؤلفه‌های فیزیکی (مکان محور) و اجتماعی (مردم محور) را در برمی‌گیرد (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱).

خصوصیات متمایز محلات مختلف کمک می‌کند تا به شهر به‌عنوان یک کل ساختار ببخشند. میزان همگنی و تفاوت‌های بارز محله از سایر قسمت‌های شهر، متغیر خواهد بود. خیلی از محلات به تدریج در محله دیگر ممزوج می‌شوند به صورتی که هیچ مرز مشخصی بین آن‌ها قابل تعریف نیست: در زمین و همچنین در مورد ادراکات ساکنان (چپ من، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

سازمان و استخوان‌بندی محله نیز می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشد. وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌های از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست (حیبی، ۱۳۸۲: ۳۴).

با در نظر گرفتن تعاریف مختلف محله از جمله تعاریف ایرانی و خارجی به‌طور کلی می‌توان گفت همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها برحسب اندازه، فرم، تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت هستند و قطعیت اندازه برای آن‌ها ارائه نشده است؛ برای محله نیز شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل، معرف آن‌ها نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶).

هویت محله‌ای

ساخت یا شکل‌گیری هویت محله‌ای یک فرایند پیچیده مکانی-اجتماعی در حوزه شهرشناسی به شمار می‌رود

و در توضیح آن نیاز است بدانیم که مردم چگونه جایی را که در آن زندگی می‌کنند؛ درک و بازگو می‌نمایند (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲). از آنجاکه شناخت «هویت محله‌ای» در محیط‌های شهری در ارتباط با «هویت شهری» قرار دارد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹)؛ شناخت هویت شهری از منظر اندیشمندان مختلف نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، گودرون منظر عینی را ارائه می‌دهد، برای کوین لینچ تحلیل منظر ذهنی مهم است و کارل کروفر ریخت‌شناسی شهر را عامل تشخیص و هویت شهر می‌یابد (جهانی دولت‌آباد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۴). بهزادفر سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی را مؤلفه‌های سازنده هویت شهر ذکر می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

از آنجایی‌که «هویت»، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ محله نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. به عبارت بهتر، محله با هویت محله‌ای است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمییز و تشخیص باشد (McMalain, D.W, and Chavis, 1986). هویت محله‌ای را احساس تعلق به یک محله مسکونی نیز تعریف می‌کنند (Foth, 2004: 8-9).

قاسمی، شرایط هویت‌مندی یک محله را به‌این ترتیب برمی‌شمرد: ۱- تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی‌شان ۲- خاطره‌ای که در ذهن ساکنان از محله برجای مانده است. ۳- خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله برجای مانده ۴- حس تعلق خاطر افراد به محله خودشان. همچنین، توقعات موضوعی شامل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان از مکان سکونت

را برای هویت بخشی به محله مسکونی لازم می‌داند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰).

افروغ، سیمای فیزیکی، فعالیت و معنا را مواد خام هویت مکانی بیان می‌کند که دیالکتیک میان این سه روابط ساختاری این هویت را می‌سازد. به اعتقاد او انسان با معنایی که به دو مؤلفه دیگر هویت مکان؛ یعنی کالبد و جسم فیزیکی و فعالیت‌هایی که در این کالبد رخ می‌دهد، می‌بخشد؛ هویت مکانی ویژه‌ای را برای هر مکان تعریف می‌کند (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۳). هویت محله‌ای را می‌توان تحت تأثیر دو دسته عنصر دانست: عناصر کالبدی یا سیمای محله و عناصر کارکردی یا محتوای محله. مرور ادبیات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تحقیقات انجام‌شده را در چند گروه عمده می‌توان تقسیم نمود: برخی از تحقیقات به موضوع هویت اجتماعی مکان پرداخته‌اند؛ برخی هویت کالبدی را مدنظر قرار داده‌اند؛ و گروهی دیگر به هویت محله‌ای (ترکیب ابعاد کالبدی و ابعاد اجتماعی) توجه نموده‌اند. جدول زیر خلاصه‌ای از ادبیات موجود را در قالب سه مورد ذکر شده ارائه کرده است:

پیشینه نظری و تجربی نشان می‌دهد که عوامل بسیاری در هویت مکان و به‌طور خاص هویت محله‌ای اثرگذار هستند. عواملی که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کالبدی و اجتماعی دسته‌بندی نمود. با این حال، بررسی همه این عوامل در چهارچوب یک مقاله اگر ناممکن نباشد مطلوب نیست؛ چراکه مطالعه برخی از این عوامل در محله ستار محلی از اعراب ندارد و از سوی دیگر، وارد کردن تعداد زیادی متغیر به پژوهش از دقت آن به‌شدت می‌کاهد. از این رو، از میان معیارهای مؤثر بر هویت محله‌ای، پنج عامل «دسترسی به خدمات»، «منظر محله (مطلوبیت زیباشناختی)»، «ایمنی»،

جدول شماره (۱): دسته‌بندی و خلاصه پیشینه ادبیات نظری

هویت مکان		
نظر به پرداز	عوامل کالبدی	عوامل غیر کالبدی
دانشپور و دیگران (۱۳۸۸)	زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون	حضور افراد با خصوصیات مشابه، جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و مذهب، گرایش‌های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علائق، نظام اجتماعی و علائق مشترک، خاطرات و تجارب، رضایت‌مندی از مکان، تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری، مدیریت، ارزش اقتصادی مکان، تجسم ساکنین از واحدهای مشابه و بافت اجتماعی مکان و ویژگی‌های شهرسازانه و معمارانه، ارتباطات اجتماعی و مشخصات زمینه‌ای مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان، مشارکت در طراحی مکان
میرمقتدایی (۱۳۸۸)	انواع فضاهای عمومی و پاتوق‌ها در مقیاس شهر و محلات، حفظ بناهای تاریخی و محلات شهر، احداث یادمان‌های شهری، حفظ نام‌ها و اسامی	امنیت اجتماعی و محیطی، تنوع قومی، طبقات اجتماعی، مهم‌ترین وقایع تاریخی شهر، برگزاری مراسم و آیین‌های ملی، مذهبی و باستانی، ثبات و تداوم سکونت در شهر، تعلق به مکان، جایگاه شهر در ادبیات و سینما
حبیبی (۱۳۸۲)	ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی، ایجاد شبکه‌ای از مراکز، ایجاد وحدت شکلی از طریق پیمون بندی، ایجاد نشانه‌های شهری، تنظیم سلسله‌مراتب فضایی، تقویت گذر اصلی پیاده	ترکیب عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی ایجاد عرصه عمومی به‌عنوان بستر روابط اجتماعی
رحیم‌یون (۱۳۹۰)	توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت، انعطاف‌پذیر بودن فضاها، خوانایی، آزادی انتخاب، ایجاد انگیزش (کاربرد فرم‌های شهری متباین)، حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، توجه به ارزش‌های معمارانه محیط، مقیاس انسانی، آسایش پیاده‌ها، کاربری مختلط (سرزندگی و تنوع استفاده)، سازگاری، دسترسی، طراحی برای پیاده‌ها.	اختلاط اجتماعی، سرزندگی، معنی (حسن)، امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی، به گوش رسیدن آوای گذشته، تنوع حضور عملکردها، فرم‌ها و اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان، سازگاری بصری، غنا، قابلیت شخصی‌سازی، توجه و مشورت با تمام گروه‌های جامعه، شادابی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط، ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب، کنترل و نظارت، کارایی و عدالت، لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقی‌های، حفاظت تاریخی و مرمت شهری، ویژگی‌های بستر و محیط فرهنگی و طبیعی، پاکیزگی و نگهداری از اکوسیستم‌ها
قاسمی (۱۳۸۳)	درهم‌تنیدگی، نفوذپذیری، خوانایی، نظام پרוخالی، محصوریت معابر، تراکم ساخت‌وساز، خط آسمان، خط بام، سبک ساخت، رنگ و مصالح، قدمت دانه‌ها، نحوه جابه‌جایی افراد، عوارض طبیعی، پوشش گیاهی، وجود عناصر طبیعی خاص، تراکم ساخت‌وساز، ظاهر دانه‌ها، کیفیت ورودی، وضعیت گروه‌ها، ساختار محله، موقعیت استقرار و هم‌جواری‌های خاص، چشم‌اندازهای ویژه، عوارض خاص طبیعی، حضور ویژه عناصر طبیعی، وجود عناصر منحصربه‌فرد و نقش انگیز، قدمت محله، توسعه محله، استقرار و فاصله نسبت به نقاط شاخص، کاربری‌ها و نحوه استقرار آن‌ها، تفاوت کالبدی دانه‌ها، تفاوت کالبدی فضاها، وجود مجموعه‌های همسایگی خاص، وجود فعالیت‌های خاص، وجود کالدهای خاص، به‌کارگیری نشانه‌ها، حضور عناصر طبیعی به شکلی خاص، وجود عناصر طبیعی خاص	آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، میزان و نحوه حضور ساکنان، زندگی در شب، معنی‌دار بودن نام محله، معنی‌دار بودن اسامی فضاهای محله، انجام فعالیت‌های خاص، قشر اجتماعی خاص، نحوه و میزان حضور ساکنان، تراکم جمعیت، کاربری غیرمسکونی خاص، عناصر خاطره‌انگیز، حال و هوا و نقش خاص، داشتن نام خاص، محل زندگی شخصیت‌های خاص، وجود پاتوق‌ها
کوبین لینیچ (۱۹۶۰)	قابلیت زیست، انطباق فرم با عملکرد، دسترسی مناسب (خیابان‌های آرام، ایمن و خدمات روزانه)	قابلیت درک، قابلیت کنترل و مراقبت و نظارت، کارایی، عدالت
فریتز استیل (۱۹۸۱)	اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری	تاریخ، تخیل، توهم، رمز و راز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، زیست‌پذیری و خاطره
پونتر و مونگومری (۱۹۹۸)	منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت، میلمان، استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو، روانی نقلیه، رفتار، الگوها، خوانایی، بو و صدا. فرم مکان: مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه‌ها، فضاهای ساخته‌شده، نسبت‌ها، فضاهای عمومی.	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی. تصویر ذهنی مکان: خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی و جهانی. فعالیت مکان: گوناگونی، سرزندگی، زنده‌بودن خیابان، نظاره‌کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی‌های محلی سستی، ساعت‌های فعالیت، فعالیت‌های جاذب، معامله و اقتصاد.

«امنیت» و «روابط همسایگی» بر اساس وضع موجود محله (با توجه به کاوش‌های میدانی) به‌عنوان عوامل بحث‌برانگیز انتخاب و سنجش شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، عوامل موردبررسی در مشاهدات و کاوش‌های میدانی، وضعیتی متفاوت نسبت به پرسشنامه تکمیل‌شده در محله داشته و نیاز به بررسی بیشتر در زمینه تأثیر بر هویت محله‌ای محسوس بود. این عوامل در ادامه مختصراً توضیح داده خواهد شد:

روابط همسایگی

روابط همسایگی معیاری نیازمند بررسی در محله ستار بود. از یک‌سو، روابط همسایگی در محله به‌خوبی جریان داشت و از سوی دیگر گروهی از مردم محله ذکر می‌کردند که به دلیل نداشتن حریم خصوصی و دخالت همسایگان مایل به مهاجرت از محله هستند. به همین دلیل روابط همسایگی به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر هویت محله‌ای انتخاب شد. در حوزه روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در محلات شهری و تأثیر آن بر هویت محله‌ای، ایده‌های نظری بسیاری مطرح است که برخی از آن‌ها بررسی می‌شوند.

هویت مکانی و احساس تعلق محله‌ای در میان افراد از طریق انواع ارتباطات و مراودات اجتماعی که همسایگان با یکدیگر خواهند داشت، شکل خواهد گرفت؛ به‌گونه‌ای که عامل اصلی هویت و شخصیت محله، نوع زندگی و مراودات اجتماعی ساکنان آن می‌باشد. هرچه همسایگان ساکن در یک محله بتوانند

با عناصر کالبدی محله (بعد عینی هویت محله‌ای) ارتباط برقرار کنند و از سوی دیگر، بتوانند فعالیت‌های جمعی و مراودت‌ها با یکدیگر را پررنگ نمایند (بعد ذهنی هویت محله‌ای)، در این صورت انتظار می‌رود که هویت محله‌ای در میان ساکنین محله از کیفیت و غنای بیشتری برخوردار گردد (کشتکار و دیگران،

۱۳۹۳؛ به نقل از رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۳). ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی و احساس رضایت روحی او، با ارتباطات اجتماعی موجود در مکان در رابطه است. چنانکه برقراری تعاملات اجتماعی که برای فرد در مکان اتفاق می‌افتد، امکان معنا بخشیدن به آن را برای وی میسر می‌نماید؛ بنابراین کیفیت کالبدی تنها یک بعد از تجربه مکان هستند و اهمیت ارتباطات اجتماعی که در مکان‌ها اتفاق می‌افتد نباید مورد غفلت قرار گیرند (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۲).

نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان‌هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها حضور دارند، باشند؛ اما بآنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است؛ درعین‌حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد با یکدیگر بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. آنچه در این میان حائز اهمیت می‌باشد آن است که دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه سبب توسعه و بهبود دل‌بستگی به مکان در آن‌ها می‌گردد (همان).

امنیت

امنیت نیز یکی از مشکلات چالش‌برانگیز در محله بود. بر مبنای استعلامی که از نیروی انتظامی در خصوص امنیت محله داشتیم این محله به دلایل وفور جرائمی مانند مصرف و فروش مواد مخدر و همچنین فساد اخلاقی محله‌ای ناامن معرفی شده و دو خیابان اصلی محله نیز به‌عنوان مناطق پرآسیب محله ذکر گردید.

با این حال، در بررسی‌های اولیه داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS امنیت محله در نظر ساکنان آن بالاتر از حد متوسط بود. میانگین متغیر امنیت ۳٫۶۱ بود که مقدار ۰٫۶۱ از میانگین کلی بالاتر بود و به دلیل گزارش سطح معناداری زیر ۰٫۰۵ (sig=0.000) این اختلاف با میانگین کلی معنادار است. به دلیل وجود چنین تناقضاتی متغیر امنیت به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل انتخاب گردید.

مروارید قاسمی اصفهانی در کتاب خود با نام «اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به محلات مسکونی)» یکی از راهکارهای برقراری هویت را «امنیت» دانسته و این معیار را در کنار عواملی مانند آسایش، آرامش، خودمانی بودن و دنجی، در بازشناسی محله و سپس «برقراری شرایط هویت‌مندی» مؤثر می‌داند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳).

در ادامه‌ی ارتباط عامل «امنیت» با هویت مکان، میرمقتدایی در مقاله «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر» از عوامل شکل‌گیری و حفظ خاطرات جمعی به «امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی» در آن مکان به‌عنوان معیار اصلی و از «ساختار اجتماعی و سیاسی شهر» به‌عنوان معیار فرعی آن یاد می‌کند. سپس عامل «امنیت اجتماعی و محیطی» را به‌عنوان عامل مؤثر آن نام می‌برد (میرمقتدایی، ۱۳۸۸).

منظر محله (مطلوبیت زیباشناختی)

منظر محله یکی دیگر از موارد چالش‌برانگیز در محله بود. بر طبق محدوده تعریف‌شده بافت فرسوده در طرح تفصیلی، محله ستار در محدوده بافت فرسوده قرار دارد. افزون بر این، نوسازی‌های صورت گرفته در این محله بسیار نامنظم هستند. جداره‌های محلی و همچنین مصالح به‌کاررفته در نمای ساختمان‌ها

ناهمگونی بسیاری دارند. از سوی دیگر، منطقه مسکونی محله، از سرسبزی اندکی برخوردار است. به سبب چنین چالش‌هایی، منظر محله به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش در نظر گرفته شد. این معیار در پرسشنامه، با گویه‌هایی مانند زیبایی و دل‌بازی محله، نمای ساختمان‌ها و آسفتگی آن‌ها سنجیده شده است. موضوعاتی که در ادبیات نظری موجود با مباحث زیباشناختی، منظر شهری و... شناخته می‌شوند. پونتر^۱ و موننگومری^۲ تحت تأثیر سه‌گانه رلف^۳ (ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا) عوامل تأثیرگذار را در طراحی شهری یافتند که در به وجود آوردن حس مکان در فضاهای شهری مؤثر بودند. بر این اساس، یکی از عوامل اثرگذار بر حس مکان، ساختار فیزیکی است که منظر شهری یکی از ابعاد اصلی آن می‌باشد (Carmona, 2006، به نقل از حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۴).

افزون بر این، کارل کروفر در مقاله «بافت شهری و ویژگی‌های شهر» اهمیت ریخت‌شناسی شهر را مطرح می‌کند. از نقطه نظر او ریخت‌شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل تشخیص هویت شهر را نشان می‌دهد (کربلایی نوری، ۱۳۸۵: ۳۷۳). از نظر سالواسن^۴ نیز حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هرکدام از آن‌ها به‌تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست (Salvesen, 2002، به نقل از فلاحت، ۱۳۸۵: ۶۳).

فرح حبیب در مقاله خود با عنوان «کندوکاوی در معنای شکل شهر» اذعان می‌دارد که «ایجاد یک تصویر ذهنی قوی از شهر مبانی تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد، به عبارتی ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر

1 John Panter
2 Montgomery
3 E. Relph
4 David Salvesen

مبنای عواملی مانند تأثیرات حسی، تجربیات شخصی، قضاوت زیبایی‌شناسی، تجربیات قومی، جمعی و گروهی، چارچوب فرهنگی، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها، شکل می‌دهد» (حیب، ۱۳۸۵).

علاوه بر موارد مذکور، پژوهشگران داخلی نیز به اهمیت موضوع اشاره کرده‌اند. مرورید قاسمی اصفهانی در کتاب خود با نام «اهل کجا هستیم؟» از خط آسمان، کیفیت ورودی، چشم‌اندازهای ویژه و عوارض خاص طبیعی به‌عنوان معیارهای برخورداری از تشخیص برای محله نام می‌برد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳).

میرمقتدایی نیز در مقاله «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها» در رابطه با مهم‌ترین ابعاد موردتوجه در بخش هویت کالبدی به موارد بسیاری اشاره می‌کند که یکی از این عوامل «نمایش معماری و ساختمانی شهر» است که ذیل این عامل به مواردی مانند نماهای شهری، شیوه‌های ساخت‌وساز، مصالح، سبک معماری و مقیاس اشاره می‌نماید (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).

ایمنی

ایمنی در محله نیز یکی از مواردی بود که در نگاه پژوهشگران در خصوص آن تناقض وجود دارد. از یک‌سو، محله به لحاظ ایمنی دچار مشکلات جدی بود. تقریباً در هیچ‌یک از معابر محله پیاده‌رو وجود نداشت؛ تقاطع‌های محله فاقد هرگونه علائم ترافیکی بودند، بسیاری از معابر پیچ‌های تند داشتند و عرض معابر در قسمت‌های مختلف، متغیر بود. با این حال، در فرایند انجام مطالعات اکتشافی ساکنان محله معتقد بودند که محله، ایمنی کافی دارد. از این رو، ایمنی به لیست متغیرهای مستقل اضافه گردید.

لینچ یکی از خصوصیات یک محله‌ی با هویت را «خیابان‌های آرام و ایمن و خدمات روزانه» می‌داند (لینچ، ۱۳۸۴، به نقل از قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

علاوه بر این، یکی از کیفیت‌هایی که کوین لینچ از آن‌ها به‌عنوان کیفیت‌های شکل‌دهنده هویت یک محیط یاد می‌کند، «سرزندگی» می‌باشد و بر این مبنا سه خصوصیت اصلی برای حصول سرزندگی را میان تمام انسان‌ها مشترک می‌داند که عبارت‌اند از: ادامه بقای انسان، «برخورداری وی از ایمنی» و برقراری سازگاری فیزیکی میان وی و محیط زندگی (لینچ، ۱۳۷۳). لذا بر اساس نظر لینچ، برخورداری از ایمنی یکی از شرایط اصلی حصول سرزندگی و به دنبال آن هویت‌مندی یک محیط می‌باشد.

دسترسی به خدمات

عامل دسترسی به خدمات، به‌عنوان عاملی مؤثر در هویت محله، در محله ستار از شرایط ویژه‌ای برخوردار بود. طبق تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته با مردم، مشخص شد که ساکنین، محدوده محله را متشکل از سه یا چهار محله دانسته و به همین سبب از خدمات و امکانات بخش دیگر استفاده نمی‌کنند. به عبارتی مرزهای ذهنی مردم، به حدی قوی بود که کیفیت بهره‌گیری آن‌ها از خدمات را تحت تأثیر قرار می‌داد. به همین دلیل، این عامل به‌عنوان عاملی چالش‌برانگیز در هویت محله و حس تعلق به آن موردبررسی قرار گرفت.

«دسترسی» یکی از کیفیت‌هایی است که کوین لینچ از آن‌ها به‌عنوان کیفیت‌های شکل‌دهنده هویت یک محیط یاد می‌کند. دسترسی شامل کیفیت و تنوع عناصری است که می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد. این عناصر می‌توانند غیرمتمرکز و پویا باشند مثل افراد، اطلاعات، فعالیت‌ها و... (لینچ، ۱۳۷۳).

«وجود انواع فعالیت‌ها در مجاورت استخوان‌بندی محله و دسترسی‌های اصلی محله، فعالیت‌های اجتماعی را در سطح محله افزایش داده و جمعیت را به عرصه

عمومی می‌کشاند، امری که منجر به بروز تعامل‌های اجتماعی گشته و خیابان محلی را به خیابانی برای مردم تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب خیابانی مملو از فعالیت و جمعیت، خاطره‌ای دیرپا بر جای می‌گذارد». در مبحث دسترسی به خدمات، نقش گذرها از اهمیت اساسی برخوردار است؛ «نقش گذر و خیابان در محله باید با توجه به تقسیمات کالبدی و نیازهای آن مورد توجه قرار گیرد. خیابان‌های محلی، خیابان‌های آرام، ایمن با دسترسی به خدمات عمومی محله هستند که نظارت محلی در آن ضامن امنیت آن است. در این گونه خیابان‌ها، شایسته‌ترین گروه برای بهره‌مندی از فضا، عابران پیاده و دوچرخه‌سواران هستند و لازم است تمامی جزئیات اجرایی با توجه به ویژگی فعالیت‌ها در مقیاس محله، علائق و تناسبات انسانی طراحی گردند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۳). به‌زعم استدمن^۱ نیز، «وجود خدمات و تسهیلات» در ارتباط با عوامل دیگر، نقش مستقیم در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم در دل‌بستگی به مکان دارد (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۲).

جدول شماره (۲): ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای

پرسشنامه

متغیر	آلفای کرونباخ (پایلوت اول)	آلفای کرونباخ (پایلوت دوم)
منظر محله	۰,۴۶	۰,۷۹
بهداشت	۰,۶۲	۰,۷۳
ایمنی	۰,۶۲	۰,۶۵
دسترسی	۰,۷۹	۰,۹۱
امنیت	۰,۷۹	۰,۸۳
هویت محله‌ای	۰,۵۱	۰,۹۳

پس از تأیید روایی و پایایی پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۰۰ بر مبنای پراکندگی جمعیت در بلوک‌های محله توزیع گردید. جامعه آماری این پژوهش ساکنان محله ستار واقع در منطقه ۱۵ اصفهان در محدوده سنی ۱۵ تا ۶۵ سال بودند. تعداد نمونه بر اساس فرمول واریانس محور کوکران ۹۵ تعیین گردید که با توجه به احتمال پر شدن ناقص برخی از پرسشنامه‌ها تعداد

فرصیه‌های پژوهش

میزان دسترسی خدمات در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

منظر محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

میزان ایمنی در بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

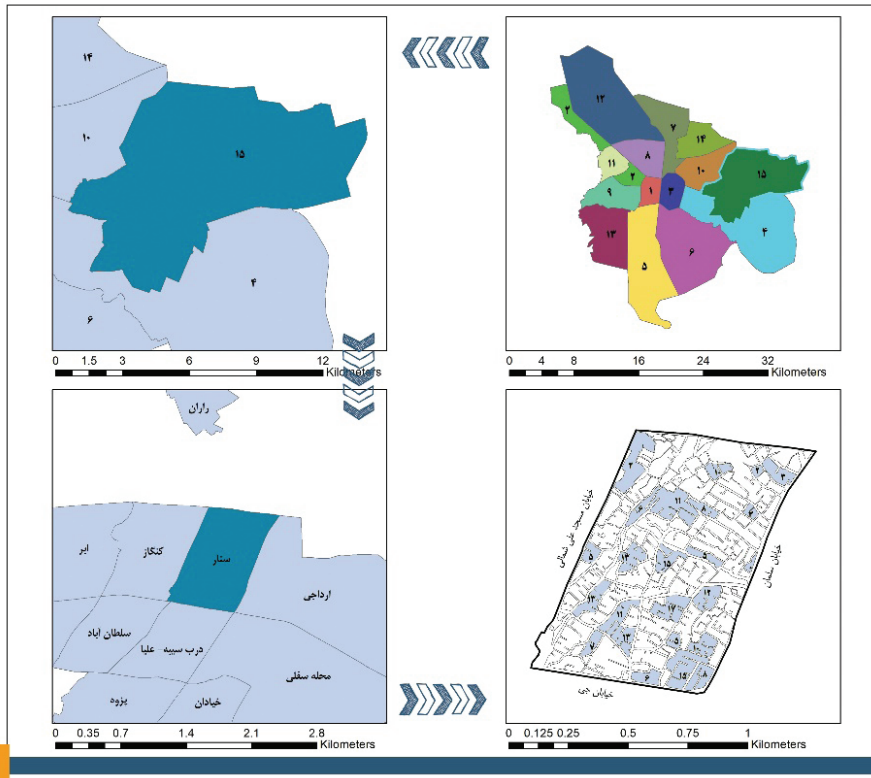
میزان امنیت محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

میزان روابط همسایگی در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کمی به مطالعه عوامل مؤثر بر

1 R. C. Stedman



شکل شماره (۱): جانمایی محله مورد مطالعه در شهر اصفهان و منطقه پانزده و نحوه توزیع پرسشنامه‌ها در محله

بر مبنای جمعیت هر بلوک تعداد پرسشنامه مشخص گردید. سپس با محاسبه عدد فاصله، پرسشنامه‌ها توزیع شد. لازم به ذکر است که شیوه پر کردن پرسشنامه‌ها شیوه پرسشگر محور بوده است.

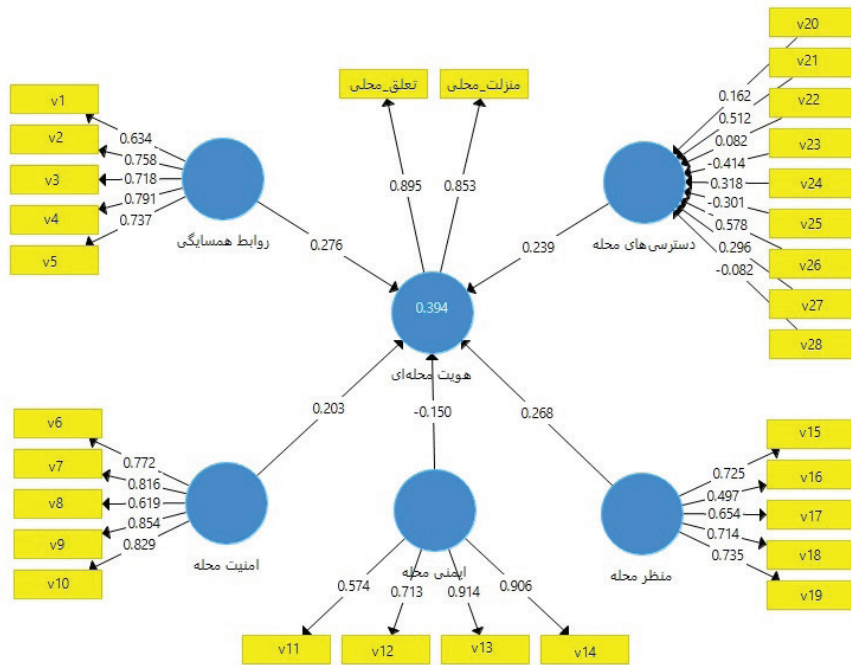
معرفی محله مورد مطالعه

محله ستار، یکی از محلات منطقه ۱۵ شهر اصفهان می‌باشد. این منطقه وسیع که در شرق اصفهان واقع شده؛ از سال ۱۳۹۲ به شهر اصفهان الحاق می‌گردد. محله ستار با جمعیتی در حدود ۹۰۴۳ نفر (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۴) یکی از محلات پر جمعیت خوراسگان سابق و منطقه ۱۵ فعلی شهر اصفهان به شمار می‌رود. محله‌ای با بافتی ناهمگون، متشکل از

۱۰۰ به‌عنوان نمونه مشخص شد. جهت تعیین عدد واریانس، واریانس همه متغیرهای کلیدی استخراج گردید و بزرگ‌ترین واریانس، یعنی واریانس متغیر امنیت، مبنای تعیین حجم نمونه قرار گرفت.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N(d)^2 \cdot t^2 S^2} = \frac{8663 \cdot (1.96)^2 \cdot 0.25}{8663 \cdot (0.1)^2 + (1.96)^2 \cdot 0.25} = 95$$

شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به شیوه تصادفی صورت گرفت. در ابتدا از میان بلوک‌های دارای جمعیت (بخشی از بلوک‌های شمال محله فاقد جمعیت و صرفاً زمین‌های کشاورزی بودند) محله توسط سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزار ArcMap تعدادی بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس



شکل شماره (۳): مدل معادله ساختاری پژوهش

بودن را ندارد و امکان پیش‌بینی را نیز فراهم می‌سازد. افزون‌براین، یکی از مهم‌ترین دلایل بهره‌گیری از این نرم‌افزار توان مدل‌سازی با مدل‌های انعکاسی و ساختی است. در این پژوهش متغیرهای امنیت، هویت، ایمنی، روابط همسایگی مبنایی انعکاسی داشتند درحالی‌که متغیر دسترسی مبنایی ساختی داشت. به همین دلیل امکان بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos فراهم نبود؛ چراکه این نرم‌افزار صرفاً برای مدل‌های انعکاسی قابل استفاده است.

یافته‌ها

در این پژوهش محله ستار واقع در منطقه ۱۵ اصفهان به لحاظ عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. پیش از ورود به میدان پژوهشگران نظریات متعددی که در خصوص هویت محله‌ای وجود دارد

خانه‌های نوساز در کنار خانه‌های قدیمی، کوچه‌هایی بدون سبزی‌نگی در کنار زمین‌های کشاورزی، معابر ارگانیک و بدون پیاده‌رو، ساکنان قدیمی در کنار بافت مهاجر همواره در حال تغییر که همه و همه نشان از محله‌ای با مسائل و ویژگی‌های پیچیده دارد. نقشه زیر مکان‌فرارگیری محله ستار را در شهر اصفهان و منطقه ۱۵ شهرداری و بلوک‌های منتخب محله را جهت نمونه‌گیری و تکمیل پرسشنامه نشان می‌دهد.

داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه از طریق نرم‌افزار Smart PLS و همچنین SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نرم‌افزار PLS به چند دلیل انتخاب شد؛ این روش امکان مدل‌سازی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند؛ توانایی کار با تعداد نمونه‌های اندک را دارد، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها و همچنین خطی

را مورد مطالعه قرار دادند و با این مسئله مواجه شدند که تعداد متغیرهای مطرح شده در این نظریه‌ها بسیار زیاد است. از این رو، در طی مطالعات اکتشافی از طریق مشاهده و مصاحبه چند متغیر محدود که همگی در محله ستار چالش برانگیز بودند انتخاب شد. دلایل انتخاب این متغیرها (امنیت، روابط همسایگی، ایمنی، منظر محله و دسترسی) در بخش‌های قبل به تفصیل توضیح داده شده است. خصوصیات افراد پاسخگو به لحاظ سن و جنس در جدول زیر آمده است.

جدول شماره (۳): جدول توزیع نمونه بر اساس سن و جنس

جنس		
زن	مرد	گروه‌های سنی
۱۳	۱۰	۲۴-۱۵
۱۵	۱۵	۳۴-۲۵
۹	۱۲	۴۴-۳۵
۷	۹	۵۴-۴۵
۵	۵	۶۴-۵۵
۴۹	۵۱	جمع

برازش مدل

شاخص‌های برازش مدل را می‌توان در سه دسته کلی ساختار عاملی، شاخص‌های روایی و شاخص‌های پایایی قرار داد. در ابتدا شاخص‌های عاملی مدل مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، در یک مدل ساختاری روابط میان سازه‌ها به لحاظ علی بررسی می‌شود. در این راستا، ضریب تعیین، ضرایب مسیر، بارهای عاملی، وزن‌های رگرسیونی و شاخص Q^2 از اهمیت برخوردارند.

ضریب تعیین متغیر هویت محله‌ای در مدل پژوهش مقدار ۰,۴۲۴ گزارش شده است. این مقدار نشان‌دهنده

آن است که منبع ۴۲ درصد از تغییرات متغیر هویت محله‌ای منشعب از متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله، دسترسی به خدمات و منظر محله است. به این دلیل که ممکن است تعداد زیاد متغیرهای مستقل ضریب تعیین را به صورت غیر واقعی افزایش دهند ضریب تعیین تعدیل شده ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. در مدل حاضر ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۳۹۴ است. در خصوص تفسیر این ضریب باید گفت که مقدار بالاتر از ۰,۲۶ بیانگر یک اندازه اثر بزرگ است و به این دلیل که ضریب تعیین تعدیل شده مدل بالاتر از این مقدار است می‌توان گفت که ضریب تعیین مدل قابل قبول است.

شاخص Q^2 برای بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی مدل کاربرد دارد. در واقع، این شاخص به ما می‌گوید که متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله، دسترسی به خدمات و منظر محله تا چه اندازه توان پیش‌بینی هویت محله‌ای را دارند. مقدار ۰,۰۲ تا ۰,۱۵ توان پیش‌بینی ضعیف، مقدار ۰,۱۵ تا ۰,۳۵ توان پیش‌بینی متوسط و ۰,۳۵ به بالا توان پیش‌بینی بالا را نشان می‌دهند. مقدار Q^2 برای این مدل عدد ۰,۲۴۷ گزارش شده است که نشان از یک توان پیش‌بینی متوسط رو به بالا دارد.

در جدول زیر بارهای عاملی برای سازه‌های انعکاسی متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله و منظر محله ذکر شده است. نقطه برش برای بارهای عاملی عدد ۰,۴ و بهترین مقدار بین ۰,۷ تا ۰,۹ است. از این رو، تمامی بارهای عاملی بالاتر از نقطه برش قرار دارند و قابل قبول هستند.

برای سازه ساختاری دسترسی، بار عاملی فاقد معناست و برای سازه‌های ساختاری وزن رگرسیونی گزارش می‌شود. نکته مهم در خصوص وزن‌های

جدول شماره (۴): بارهای عاملی

متغیر پنهان	معرفها	بار عاملی
روابط همسایگی	مردم محله به همسایه‌هایشان کمک می‌کنند	۰,۶۳۴
	مردم محله مراقب بچه‌های همسایه در کوچه هستند	۰,۷۵۸
	در صورت نیاز می‌توانم از همسایه‌هایم کمک بگیرم	۰,۷۱۸
	اگر مدتی همسایه‌ام را نبینم نگران می‌شوم	۰,۷۹۱
	به نظرم بعضی همسایه‌ها از فامیل به آدم نزدیک‌تر هستند	۰,۷۳۷
امنیت محله	من در محله احساس امنیت می‌کنم	۰,۷۷۲
	نزاع و درگیری در محله زیاد است	۰,۸۱۶
	در این محله زیاد دزدی می‌شود	۰,۶۱۹
	کودکان و نوجوانان بدون نگرانی در محله رفت‌وآمد می‌کنند	۰,۸۵۴
	زنان خانواده من از امنیت کافی برخوردارند	۰,۸۲۹
منظر محله	این محله از نظر ظاهری زیباست	۰,۷۲۵
	ساختمان‌های نامنظم در محله من را آشفته می‌کند	۰,۴۹۷
	زمانی که در کوچه و خیابان‌های محله راه می‌روم حس خوبی دارم	۰,۶۵۴
	برای تفریح افراد فامیل را به این محله می‌آورم	۰,۷۱۴
	فضای محله باصفا و دل‌باز است	۰,۷۳۵
ایمنی محله	برخی از ساختمان‌های محله به خاطر فرسودگی خطر ریزش دارند	۰,۵۷۴
	کودکان و نوجوانان در این محله در معرض خیر تصادف قرار دارند	۰,۷۱۳
	کوچه‌ها و معابر محله برای عابران پیاده ایمن‌اند	۰,۹۱۴
	معلولین و سالمندان می‌توانند به راحتی در معابر و کوچه‌ها تردد کنند	۰,۹۰۶
هویت محله‌ای (تعلق به محله)	از زندگی در این محله راضی هستم	۰,۸۹۵
	دوست دارم از این محله مهاجرت کنم	
	معمولاً افرادی که در کوچه و خیابان‌های محله می‌بینم را می‌شناسم	
	از این محله خاطرات خوشی دارم	
هویت محله‌ای (منزلت محله)	دوست ندارم به دیگران بگویم در این محله زندگی می‌کنم	۰,۸۵۳
	مردم محلات دیگر به این محله نگاه مثبتی دارند	
	بیشتر کسانی که در این محله زندگی می‌کنند دوست دارند اینجا را ترک کنند	
	در مقایسه با سایر محله‌ها این محله وجه پایین‌تری دارد	

رگرسیون‌های این مدل را نمی‌توان با وزن‌های رگرسیونی برآورد کرد. در واقع، هرچه این وزن‌ها به صفر نزدیک‌تر باشند توجه‌شان برای حضور در مدل کمتر است ولی به استناد وزن‌ها نمی‌توان نتیجه‌گیری قطعی کرد. از این رو، از شاخص VIF یا تورم واریانس برای ارزیابی این وزن‌ها استفاده می‌شود. حداقل مقدار شاخص VIF صفر است و نقطه برش آن عدد ۲,۵ است. در این مدل VIF تمامی معرف‌های متغیر

جدول شماره (۵): وزن‌های رگرسیونی

مقدار VIF	وزن‌های رگرسیونی	معرف‌ها	متغیر پنهان
۱,۲	۰,۱۶۲	فروشگاه‌هایی برای خرید روزانه	دسترسی به خدمات محلی
۱,۶	۰,۵۱۲	کتابخانه و سالن مطالعه	
۱,۶	۰,۰۸۲	خانه کودک	
۱,۷	-۰,۴۱۴	پارک و فضای سبز	
۲	۰,۳۱۸	زمین‌بازی بزرگسالان	
۱,۵	۰,۳۰۱	مجموعه ورزشی چندمنظوره	
۱,۶	۰,۵۷۸	مدرسه (دبستان)	
۱,۳	۰,۲۹۶	وسایل حمل‌ونقل عمومی	
۱,۴	-۰,۰۸۲	مساجد و اماکن مذهبی	

جدول شماره (۶): مقدار شاخص AVE برای عامل‌ها

مقدار AVE	عامل
۰,۵۳۲	روابط همسایگی
۰,۶۱۲	امنیت محله
۰,۴۵۰	منظر محله
۰,۶۲۴	ایمنی محله
۰,۷۶۴	هویت محله‌ای

دسترسی کمتر از ۲,۵ و قابل قبول است. پس از شاخص‌های مرتبط با ساختار عاملی مدل به سراغ شاخص‌های روایی مدل می‌رویم. اعتبار همگرا در سطح معرف‌ها از طریق بارهای عاملی و در سطح عامل از طریق شاخص AVE یا متوسط واریانس استخراج‌شده مورد مذاقه قرار می‌گیرد. این شاخص بین ۰ و ۱ گزارش می‌شود و مقادیر بالای ۰,۵ قابل قبول است. در برخی از منابع نیز مقدار ۰,۴ نیز قابل قبول دانسته شده است. این مقادیر برای عامل‌های مدل در جدول زیر گزارش شده است. نکته قابل توجه اینکه این شاخص صرفاً برای سازه‌های انعکاسی کاربرد دارد و برای سازه‌های ساختاری مانند دسترسی گزارش نمی‌شود. این مقدار برای عامل منظر محله مقدار کمی از نقطه برش پایین تر است. با این حال، با اندکی تسامح این مقدار قابل قبول است. اعتبار واگرایی بخشی از روایی مدل را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع انتظار می‌رود که معرف‌های یک متغیر پنهان آن متغیر پنهان را اندازه‌گیری کنند و نه متغیر

جدول شماره (۸): جدول شاخص Larcker & Fornell

متغیر	امنیت محله	ایمنی محله	دسترسی به خدمات	روابط همسایگی	منظر محله	هویت محله‌ای
امنیت محله	۰.۷۸۲					
ایمنی محله	۰.۵۶۸	۰.۷۹۰				
دسترسی‌های محله	۰.۳۵۰	۰.۱۰۷				
روابط همسایگی	۰.۵۱۹	۰.۱۹۵	۰.۳۴۷	۰.۷۳۰		
منظر محله	۰.۴۳۷	۰.۴۵۹	۰.۱۷۲	۰.۲۸۹	۰.۶۷۱	
هویت محله‌ای	۰.۴۶۲	۰.۱۶۸	۰.۴۳۶	۰.۵۱۳	۰.۴۰۹	۰.۸۷۴

جدول شماره (۹): شاخص‌های پایایی مدل

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
امنیت محله	۰.۸۳۹	۰.۸۸۶
ایمنی محله	۰.۸۰۸	۰.۸۶۵
روابط همسایگی	۰.۷۸۴	۰.۸۵۰
منظر محله	۰.۶۹۷	۰.۸۰۱
هویت محله‌ای	۰.۶۹۳	۰.۸۶۶

جدول شماره (۱۰): آزمون فرضیه اول

فرضیه	P value	t	f2	ضریب مسیر
تأثیر دسترسی بر هویت	۰,۰۰۸	۲,۶۶۴	۰,۰۸۳	۰,۲۳۹

کرونباخ و پایایی مرکب قابل ارزیابی است. نقطه برش این دو شاخص ۰,۷ است. تمامی متغیرها پایایی مرکب بالاتر از ۰,۷ دارند. در خصوص آلفای کرونباخ دو متغیر منظر محله و هویت محله‌ای مقادیری پایین‌تر از ۰,۷ دارند که به دلیل ناچیز بودن اختلاف این مقادیر نیز قابل قبول هستند. مقادیر مرتبط با پایایی مدل در جدول زیر گزارش شده است.

پنهان دیگری را. اعتبار و اگر به همراه اعتبار همگرا در ماتریس Lorcker & Fornell گزارش می‌شود. قطر ماتریس همبستگی بیانگر آن است که تا چه اندازه معرف‌های یک عامل آن عامل را سنجیده‌اند. اعداد زیر قطر ماتریس نیز نشانگر آن هستند که معرف‌های هر عامل تا چه اندازه عامل‌های دیگر را سنجیده‌اند. نقطه برش اعداد این جدول نیز ۰,۵ است. پایایی مدل با چند شاخص از جمله شاخص آلفای

جدول شماره (۱۱): آزمون فرضیه دوم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۶۸	۰,۰۹	۲,۷	۰,۰۰۷	تأثیر منظر محله بر هویت

جدول شماره (۱۲): آزمون فرضیه سوم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
-۰,۱۵	۰,۰۲۳	۱,۴۴۶	۰,۱۴۹	تأثیر ایمنی محله بر هویت

آزمون فرضیات

بر طبق تقسیمات شهری از نظر بافت فرسوده محله ستار در محدوده بافت فرسوده قرار دارد. افزون بر این، نوسازی‌های صورت گرفته در این محله بسیار نامنظم است. از این رو، جداره‌های محله و همچنین مصالح به‌کاررفته در منظر ساختمان‌ها اغلب نامنظم است. از سوی دیگر، منطقه مسکونی محله سرسبزی بسیار اندکی دارد. به خاطر چنین چالش‌هایی منظر محله به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش در نظر گرفته شد.

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده در نرم‌افزار PLS مقدار P گزارش شده از ۰,۰۵ کوچک‌تر است و مقدار t نیز از ۱,۹۶ بیشتر است و این موارد حاکی از آن است که منظر محله تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارد و این فرضیه تأیید می‌شود. مقدار f² نیز نشان می‌دهد که اندازه اثر متغیر منظر بر متغیر هویت محله‌ای اندازه‌ای متوسط است. ضریب مسیر نیز نشان از وجود یک اثر مثبت و مستقیم دارد، یعنی با بهبود منظر هویت محله‌ای نیز بهبود می‌یابد.

فرضیه سوم: میزان ایمنی بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری ندارد.

ایمنی در محله نیز یکی از مواردی بود که در نگاه پژوهشگران در خصوص آن تناقض وجود دارد. از یک‌سو، محله به لحاظ ایمنی دچار مشکلات جدی

ارزیابی برآزش مدل نشان از آن داشت که مدل از روایی، پایایی و ساختار عاملی قابل‌قبولی برخوردار است. از این رو، می‌توان به مبحث آزمون فرضیات وارد شد. در بررسی معناداری فرضیات پژوهش از دو شاخص مقدار P و همچنین آماره t استفاده می‌شود. شاخص f² نیز مقدار اثر را نشان می‌دهد. در این بخش معناداری پنج فرضیه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: میزان دسترسی به خدمات در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

مقدار P گزارش شده از ۰,۰۵ کوچک‌تر است و مقدار t نیز از ۱,۹۶ بیشتر است و این موارد حاکی از آن است که دسترسی به خدمات تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارد. مقدار f² نیز نشان می‌دهد که اندازه اثر متغیر منظر بر متغیر هویت محله‌ای اندازه‌ای تقریباً متوسط است؛ بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. ضریب مسیر نیز نشان از وجود یک تأثیر مثبت و مستقیم دارد، یعنی با افزایش دسترسی به خدمات هویت نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: منظر محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

منظر محله یکی از موارد چالش‌برانگیز در محله بود.

بود. تقریباً در هیچ‌یک از معابر محله پیاده‌رو وجود نداشت؛ تقاطع‌های محله فاقد هرگونه علائم ترافیکی بودند، بسیاری از معابر پیچ‌های تند داشتند و عرض معابر در قسمت‌های مختلف متفاوت بود (به‌عنوان مثال قسمتی از یک خیابان عرضی برابر با ۱۳ متر داشت و قسمت دیگر آن عرضی برابر با ۸ متر). با این حال، در فرایند انجام مطالعات اکتشافی ساکنان محله معتقد بودند که محله ایمنی کافی دارد. از این رو، ایمنی به لیست متغیرهای مستقل اضافه گردید.

داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از رد فرضیه تأثیر ایمنی بر هویت محله‌ای است. مقدار P به‌دست‌آمده به شکل معناداری از ۰,۰۵ بیشتر و مقدار آن برابر با ۰,۱۴۹ است. مقدار t نیز از ۱,۹۶ کمتر است. اندازه اثر نیز بسیار ناچیز است. ضریب مسیر این متغیر نیز ناچیز و منفی است. این یافته با چارچوب نظری همخوان نیست و تحلیل این عدم مطابقت در بخش بحث و نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

فرضیه چهارم: میزان امنیت محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

امنیت نیز یکی از مشکلات چالش‌برانگیز در محله بود. بر مبنای استعلام‌هایی که از نیروی انتظامی در خصوص امنیت محله داشتیم این محله به دلایل وفور جرمی مانند مصرف و فروش مواد مخدر و همچنین فساد اخلاقی محله‌ای ناامن معرفی شد و دو خیابان اصلی محله نیز به‌عنوان مناطق پرآسیب محله ذکر گردید. با این حال، در بررسی‌های اولیه داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS امنیت محله در نظر ساکنان آن بالاتر از حد متوسط بود. میانگین متغیر امنیت ۳,۶۱ بود که مقدار ۰,۶۱ از میانگین کلی بالاتر بود و به دلیل گزارش سطح معناداری زیر ۰,۰۵ ($\text{sig}=0.000$) این اختلاف با میانگین کلی معنادار است. به دلیل وجود

چنین تناقضاتی متغیر امنیت به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل انتخاب گردید.

مقدار P گزارش شده برای متغیر امنیت کمی بزرگ‌تر از مقدار ۰,۰۵ و مقدار t اندکی کوچک‌تر از ۱,۹۶ است. با این حال، می‌توان فرضیه تأثیر امنیت بر هویت محله‌ای را با سطح اطمینان ۹۳ درصد پذیرفت. اندازه اثر متغیر امنیت نیز تقریباً ضعیف است. ضریب مسیر نیز بیانگر یک اثر مثبت و مستقیم است؛ یعنی با افزایش امنیت هویت محله‌ای افزایش می‌یابد، ولی این افزایش احتمالاً ناچیز خواهد بود.

فرضیه پنجم: میزان روابط همسایگی در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

روابط همسایگی موردی قابل بررسی در محله ستار بود. از یک‌سو، روابط همسایگی در محله به‌خوبی جریان داشت و از سوی دیگر گروهی از مردم محله ذکر می‌کردند که به دلیل نداشتن حریم خصوصی و دخالت همسایگان مایل به مهاجرت از محله هستند. به همین دلیل روابط همسایگی نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر هویت محله‌ای انتخاب شد.

مقدار گزارش شده P برای متغیر روابط همسایگی از ۰,۰۵ کمتر و مقدار t از ۱,۹۶ بیشتر است. از این رو، می‌توان گفت که فرضیه تأثیر روابط همسایگی بر هویت محله‌ای تأیید می‌شود. ضریب مسیر گزارش شده نیز نشان از یک اثر مستقیم و مثبت دارد. در واقع، با افزایش روابط همسایگی هویت محله‌ای نیز افزایش می‌یابد و این افزایش مقداری رو به متوسط است چراکه مقدار f^2 مقداری متوسط گزارش شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

محله ستار یکی از محله‌های منطقه ۱۵ در اصفهان است که سال‌های زیادی از پیوستن آن به شهر اصفهان نمی‌گذرد و صبغه روستایی خود را در بسیاری از

جدول شماره (۱۳): آزمون فرضیه چهارم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۰۳	۰,۰۳۴	۱,۷۶۷	۰,۰۷	تأثیر امنیت محله بر هویت

جدول شماره (۱۴): آزمون فرضیه پنجم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۷۶	۰,۰۹	۲,۸۹۶	۰,۰۰۳	تأثیر روابط همسایگی محله بر هویت

مدل حذف شدند. در نهایت مدلی به دست آمد که در ارزیابی برازش مدل مشخص شد که از روایی، پایایی و ساختار عاملی قابل قبولی برخوردار است. پس از ارزیابی برازش مدل، آزمون فرضیات انجام شد. آزمون فرضیات نشان از آن داشت که دسترسی به خدمات در محله یکی از عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای است. منظر محله نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای در محله ستار بود. این یافته با مطالعات میدانی انجام شده نیز مطابقت دارد. بسیاری از خانه‌ها فاقد نما بود و جداره‌های محله نیز منظر مطلوبی نداشت. علاوه بر این، سبزی‌نگی محله نیز بسیار اندک بود. بسیاری از ساکنان مصاحبه شده نیز اعتقاد داشتند که محله‌شان زیبا نیست و به همین دلیل وجهه پایینی دارد. از این رو، به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری بر منظر محله شامل جداره‌ها و نماها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر هویت محله‌ای ساکنان این محله داشته باشد.

در خصوص ایمنی، آزمون فرضیات نشان از آن داشت که ایمنی بر هویت محله‌ای تأثیرگذار نیست. همان‌گونه که قبلاً ذکر آن رفت پژوهشگران با محله‌ای مواجه بودند که معیارهای ایمن بودن در آن پایین است. برخی ساختمان‌های فرسوده احتمال ریزش داشتند و تقریباً هیچ معبری پیاده‌رو نداشت. این

وجوه حفظ کرده است. با این حال، اگرچه همچنان اکثریت ساکنان محله سابقه طولانی سکونتی در این محله دارند، روند مهاجرت از محله روندی رو به رشد است. در این میان، مفهوم هویت محله‌ای اهمیت می‌یابد و نیازمند مطالعه بیشتر است. هویت محله‌ای مفهومی چندوجهی است و پرداختن به آن در چهارچوب انحصاری عوامل کالبدی یا عوامل غیرکالبدی نظیر عوامل اجتماعی و فرهنگی نتیجه‌بخش نخواهد بود. از این رو، در این پژوهش تلاش شد که عوامل کالبدی و غیرکالبدی با هم مورد توجه قرار گیرند. با این حال، پرداختن به همه عوامل نه ممکن است و نه مطلوب. از این رو، تلاش شد تا از خلال مطالعات میدانی عوامل چالش برانگیز تأثیرگذار بر هویت محله‌ای شناسایی و انتخاب شوند. به دلیل ماهیت اکتشافی این پژوهش تصمیم بر آن شد که از نرم‌افزار PLS در تحلیل داده‌ها استفاده شود. این نرم‌افزار این امکان را فراهم می‌کند که انتخاب دقیق‌تری از میان عوامل صورت گیرد. در واقع، در آزمون مدل عواملی را معنادار نیستند را می‌توان حذف کرد. در این فرایند، ۵ عامل شامل ۳ عامل کالبدی دسترسی به خدمات، منظر محله و ایمنی و ۲ عامل غیرکالبدی شامل امنیت و روابط همسایگی در مدل معنادار شدند و سایر عوامل شامل بهداشت محله و کنشگری محله‌ای به دلیل معنادار نبودن از

امر با توجه به اینکه دو دبستان در این محله وجود داشت توجه پژوهشگران را بیشتر به خود جلب کرد. باین حال، ساکنان در گفتگوهای انجام شده در طی مطالعات میدانی ابراز می‌کردند که مشکل چندانی در این خصوص ندارند. آزمون فرضیات نیز نظر ساکنان را تأیید کرد. در واقع، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً ساکنان محله به خاطر بومی بودن با وضعیت موجود خو گرفته‌اند و استراتژی‌های مشخصی را برای مقابله با نایمن بودن برخی از نقاط محله به کار برده‌اند و همین موجب شده است که محله را نایمن ارزیابی نکنند. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که از بافت ارگانیک محله، نمی‌توان انتظار پیاده‌رو یا مسیرهای مجرای سواره و پیاده داشت. ضمن اینکه محله کمبودها و نیازهایی دارد که نسبت به این مسائل، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و اثر بیشتری در دلبستگی مردم به محله‌شان دارد. به همین دلیل، ایمنی مسئله حال حاضر ساکنان این محله نیست و در زمان کنونی نیاز نیست که اولویت مدیریت شهری قرار گیرد.

در خصوص امنیت نیز داده‌های به دست آمده از پلیس با آنچه مردم به آن اعتقاد داشتند، متفاوت بود. با مراجعه به پلیس مشخص شد که دو خیابان اصلی این محله از نظر پلیس دو خیابان پرآسیب هستند و جرائم مربوط به مواد مخدر و جرائم اخلاقی در این دو خیابان قابل توجه است. باین حال، داده‌های آماری نشان از آن داشت که مردم مشکلات اخلاقی را در محله بسیار پایین می‌دانند. ولی میزان اعتیاد را قابل توجه ارزیابی می‌کنند. آزمون فرضیات نشان از داشت که امنیت بر هویت محله‌ای تأثیرگذار است ولی اندازه این اثر بسیار اندک است. در واقع، به نظر می‌رسد که ساکنان محله را امن می‌دانند و امنیت مسئله آن‌ها نیست. در

خصوص بحث جرائم اخلاقی می‌توان نتیجه گرفت که یا داده‌های پلیس همراه با خطاست و یا اینکه جرائم اخلاقی در لایه‌های زیرین محله در جریان است و ساکنان عادی از آن اطلاعی ندارند. احتمال دیگر آن است که ساکنان این جرائم را انکار کرده‌اند. در خصوص اعتیاد، ساکنان محله اعتقاد داشتند که اعتیاد در محله زیاد است. ولی یافته‌ها نشان از آن دارد که اعتقاد مردم بر آن نیست که اعتیاد ساکنان امنیت محله را با مشکل مواجه کرده است.

روابط همسایگی آخرین عامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای است. در مصاحبه‌ها ساکنان نسبت به شناسا بودن در محله و کمرنگ بودن مرزهای حریم خصوصی ناراضی بودند. باین حال، به نظر می‌رسد همچنان روابط همسایگی به دلیل کارکردهای مثبتی که در زندگی ساکنان محله دارد بر هویت محله‌ای تأثیر مثبتی می‌گذارد و تلاش مدیریت شهری برای تقویت روابط همسایگی در عین فرهنگ‌سازی در جهت رعایت حریم خصوصی همسایگان می‌تواند هویت محله‌ای را بهبود بخشد.

می‌توان در محله ستار با تعریف پروژه و یا اخذ سیاست‌هایی، وضعیت دسترسی به خدمات، روابط همسایگی (یا ارتباطات اجتماعی) و منظر محله را بهبود بخشیده و در نتیجه هویت محله‌ای بهتری را شاهد بود. به عنوان مثال، تقویت و طراحی مرکز محله که شامل فضای سبز و خدمات محلی باشد (که در طرح اصلی مقاله نیز به عنوان پروژه منتخب طراحی شده است)؛ می‌تواند فضایی را جهت برقراری ارتباطات اجتماعی و زمینه دسترسی بهتر به خدمات را فراهم آورد. مرکز محله ستار، در حال حاضر در میانه محله و در تلاقی دو محور اصلی آن قرار دارد. در صورت توجه به نیازهای مردم محله در بازطراحی

- آن می‌توان آن را به مرکزی پویاتر و مطلوب‌تر برای مردم بدل کرد. به‌عنوان مثال در طراحی این مرکز محله، بخش قابل توجهی به فضای سبز اختصاص یافت زیرا یکی از اصلی‌ترین نیازهای مردم بوده و وجود آن سبب مکان‌مند شدن ارتباطات اجتماعی می‌شود که در حال حاضر در محله جریان دارد ولی به گفته مردم، به دلیل نبودن پاتوق محلی، در مکان‌هایی شکل می‌گیرد که باعث ایجاد مشکل برای سایرین می‌گردد. با طراحی فضای سبز، پیش‌بینی فضاهای اجتماع‌پذیر و اختصاص کاربری‌های تجاری اطراف به خدمات محلی، وضعیت هر سه معیار دسترسی به خدمات، روابط اجتماعی و منظر محله بهبود خواهد یافت.
- فهرست منابع**
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، «فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶)، «هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران»، تهران، نشر شهر.
- جهانی دولت‌آباد، رحمان؛ شماعتی، علی؛ اسماعیل جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۲)، «سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم اجتماعی، ۱۳(۳۱): ۳۱.
- چپ من، دیوید. (۱۳۸۶)، «آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت»، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۵)، «کندوکاوی در معنای شکل شهر»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. ۲۵، ۱۴-۵
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲)، «چگونگی الگوپذیری
- و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳، ۳۹-۳۲، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیبی، رعنا سادات. (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۳۵، ۳۹-۵۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخیان، مریم. (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۳۸، ۴۸-۳۷.
- رستگارخالد، امیر؛ سلمان‌بی‌دگلی، مسعود و سمیه آران دشتی. (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴ (۱۱).
- شکویی، حسین. (۱۳۷۲)، «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی»، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۲، ۷۲-۱۰۲-۸۳.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵)، «محله مسکونی پایدار: نمونه موردی نارمک»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۷، ۴۶-۳۵.
- فلاح‌ت، محمدمصدق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.
- قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۳)، «اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)»،

- انتشارات روزنه، تهران.
- قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه. (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲ (۷).
- کربلایی نوری، رضا. (۱۳۸۵)، «هویت؛ شهر، خاطره»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۳)، «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۴)، «شکل خوب شهر»، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماجدی، حمید؛ منصور رضایی، حمید؛ الهام منصوری. (۱۳۹۳)، تأویل کارکرد شناختی فضاهای عمومی محله‌ای از منظر هویت (نمونه موردی: محله نازی‌آباد و مهران تهران)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۷ (۴).
- معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان. (۱۳۹۴)، «آمارنامه شهر اصفهان»، اصفهان.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳) «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۲۹-۳۸.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۸)، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (مطالعه موردی تهران)»، نشریه هنرهای زیبا، ۳۷، ۱۶-۵.
- وحید، فریدون؛ نگینی، سمیه. (۱۳۹۱)، ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، مطالعات شهری، ۲ (۲).
- هودسنی، هانیه. (۱۳۸۴)، «بهبود ساختاری، فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه محله‌ای پایدار»، پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- Barton, Hugh, et al (2003), "Shaping Neighborhoods: A guide for health, sustainability and vitality", Spon press, London and New York.
- Cowan, Robert, 2005, "The Dictionary of Urbanism", London, Street Wise Press.
- Foth, Marcus (2004), "Designing networks for sustainable neighborhoods (A case study of a student apartment complex)", Creative Industries Research and Applications Centre, Queensland University of Technology, Brisbane QLD 4059, Australia.